



تأثير تغيير ارزش پول بر پرداخت دين

پوهنمل فرید احمد هروی

دپارتمنت ثقافت اسلامي، پوهنځي شرعيات، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: faridahw1986@gmial.com

چکیده

تغییر قیمت نقود از پدیده‌های خطرناک مالی است که اقتصاد کشورها را به چالش کشانده است. در بعضی کشورهای اسلامی به سبب جنگ‌های متمادی و تحولات سیاسی و اقلیمی تغییر جهنده در قیمت پول‌های مروج به میان آمده است؛ زیرا آن‌ها نقود عرفی بوده و در معرض نوسانات قرار دارند؛ چنان‌که زمینه طرح مسایل شرعی در رابطه با پرداخت دین توسط اسکناس را به‌ویژه در حالت نزول قیمت ایجاد کرده است؛ ازین رو فقهای متقدمین و معاصر درین زمینه اظهار نظر نمودند، طوری‌که در ادای دین طلا، نقره، اشیای مثلی و فلوس به اتفاق فقها پرداخت مثل لازم می‌گردد، مگر در مورد فلوس صاحبان مذهب حنفی و بعضی مذاهب دیگر پرداخت قیمت را لازم می‌دانند، در مورد اسکناس‌ها نیز نزد جمهور فقهای معاصر و اهل قانون پرداخت مثل لازم می‌گردد؛ مگر نزد شاگردان امام ابوحنیفه و بعضی از معاصرین پرداخت قیمت لازم می‌شود. نظر راجع نظریه صاحبان مذهب حنفی بوده؛ زیرا می‌تواند مشکلات مالی را بهتر حل نماید.

اصطلاحات کلیدی: تورم؛ نقود؛ تغییر قیمت؛ پرداخت دین

The Effect of Changing the Value of Currency Upon Fulfillment of Debt

Sr. Teaching Asst. Farid Ahmad Heravi

Department of Islamic Culture, faculty of Sharia, Kabul University, Kabul, Afghanistan

Email: ashurov@iium.edu.my

Abstract

Fluctuation the value of money is one of the hazardous financial phenomena that has challenged the economy of countries. In some Islamic countries, due to consecutive wars and political and climatic changes, there has been a sudden change in the value of currency; Because they are idiomatic money and are exposed to fluctuations, as it creates some serious Shari'a queries regarding the fulfillment of debt by banknotes particularly in the case of value decline; so, the early and contemporary jurists commented in this context, that in the payment of gold, silver, fungibles and coins money it is necessary to pay the same according to the consensus of all jurists, except in the case of coin money, the students of Abu Hanifah and some other sects consider it necessary to pay the value. In term of banknotes are also required to be paid the same in point of contemporary jurists and legal scholars, except for the students of Imam Abu Hanifah and some contemporaries, payment of value is required. The student of Imam Abu Hanafa opinion is preferable because it can solve financial problems better.

Keywords: Inflation; Currencies; Changing of the Value; Fulfillment of the Debt

مقدمه

تغییر قیمت پول و تورم نقدی (inflation) از جمله بزرگ‌ترین مشکلات اقتصادی است که اقتصاد معاصر جهان را به چالش‌های فراوانی مواجه کرده است؛ زیرا افزایش دایمی و مستمر قیمت اسعار همه کشورها و افراد را به نحوی متضرر کرده و از آثار منفی آن رنج می‌برند. در حقیقت قیمت اسکناس‌ها در بعضی از کشورها به سبب جنگ‌های متمادی، اضطرابات و تحولات داخلی مانند افغانستان، سوریه، یمن، عراق و غیره تغییر چشم‌گیر و سرسام‌آوری بودند؛ چنان‌چه نزول شدید ارزش پول درین کشورها باعث پرسش‌های فراوان در مورد آثار تغییر قیمت پول بر حقوق و وجایب به‌ویژه پیرامون پرداخت دین توسط اسکناس‌ها شده است. در واقع تغییر فاحش ارزش پول در عصر کنونی از موضوعات مهم اقتصادی در زمینه ماهیت اسکناس‌ها تلقی می‌گردد؛ زیرا آن‌ها نقود اصطلاحی اند که ذاتاً قیمت نداشته؛ بلکه پشتوانه خود را از عرف جامعه کسب می‌کنند و همیشه در معرض نوسانات شدید قرار دارند. بعد از سال ۲۰۰۰م تغییر شدیدی در قیمت پول‌ها در بعضی از کشورها به‌میان آمد؛ چنان‌چه پول افغانی مروج قبل از ۲۰۰۱م کاملاً از بین رفت و پول دیگری جایگزین آن شد و سپس به مرور زمان ارزش خود را در برابر دالر از دست داده، چنان‌که در سال ۲۰۰۱م یک دالر امریکایی معادل ۴۰ افغانی می‌شد، مگر امروز معادل تقریباً ۹۰ افغانی می‌شود، هم‌چنان دینار عراقی ۹۰٪ ارزش خود را پس از جنگ ۲۰۰۳م عراق از دست داد، در لیره سوریه و در ریال یمنی نیز تغییرات زیادی ایجاد گردید. ازین‌که موضوع مورد بحث محقق بررسی (تأثیر تغییر قیمت بر دین) از ناحیه شرعی است، آثار منفی اقتصادی تورم را به‌شکل عموم مورد بحث قرار نمی‌دهد. یکی از آثار منفی آن کاهش ارزش پول است؛ چنان‌چه با افزایش تورم، قدرت خرید پول به شدت کاهش یافته و تأثیر آن بر دیون مؤجله برابر است که قرض باشد و یا عقود معاوضه منعکس گردیده و مشکل بزرگی را در راستای چگونگی پرداخت دیون ایجاد می‌کند. در هنگام پرداخت دین قیمت پول نزول می‌کند، درین صورت اگر مدیون مثل آن را بپردازد، قطعاً دائن متضرر می‌گردد و این امر با اصل عدالت که از خصایص بزرگ اقتصاد اسلامی است در تضاد می‌باشد و اگر قیمت آن را بپردازد به این معنا است که مدیون بیش‌تر از آن‌چه که گرفته است می‌پردازد، پس ناگزیر از ناحیه شرعی راه‌حل معقولی که ضامن مصلحت طرفین باشد در روشنی قواعد و ضوابط دینی جستجو گردد.

بیان مسأله

قضیه تورم مخصوصاً نزول قیمت پول و تأثیر آن بر دین و چگونگی پرداخت آن از منظر شرعی یکی از قضایای مهمی است که نیازمند دقت، تفکر و تدبیر بیش‌تر در روشنی مبادی شریعت اسلامی

می باشد، تا تکلیف شرعی موضوع در تبانی با مقاصد شریعت اسلامی و اصل عدالت همگانی در پرتو بررسی نظریات فقها و دانش مندان معاصر اسلامی واضح گردد.

سؤالات تحقیق

۱. آیا تغییر قیمت نقود بر پرداخت دین تأثیرگذار است و یا خیر، و راه حل شرعی آن چطور است؟
۲. نظریات فقهای پیشین و دانش مندان معاصر پیرامون حل این معضل مالی چیست و نظریه راجح در زمینه کدام است؟

پیشینه تحقیق

در زمینه تغییر قیمت نقود و تأثیر آن بر دیون کتاب‌ها، بحث‌های تحقیقی، مقالات و کنفرانس‌های فراوانی به زبان‌های مختلف به‌ویژه انگلیسی و عربی نگاشته شده مگر در افغانستان به زبان‌های ملی گام‌های کم‌تری برداشته شده و محقق در افغانستان کتاب و مقاله ویژه را پیرامون موضوع نیافته است؛ ازین رو می‌خواهم تا مقاله را درین عرصه تحریر نمایم تا راه حل این معضل بزرگ از ناحیه شرعی روشن گردد، از جمله کتاب (الورق النقدي حقیقتاً و حکماً) (۱)، مقاله (تغیر القيمة الشرائية للنقود الورقية) (۲)، مقاله (انعکاسات تغير قيمة النقود و تأثيراتها على الحقوق و الالتزامات في القوائم المالية للمصارف الإسلامية الخاضعة لمعايير أيوفي) (۳)، مقاله (the effect of currency value change upon debt repayment) (۴) و غیره.

روش تحقیق

از نگاه روش‌شناسی تحقیقی، امروز به‌شکل عموم دو روش مشهور تحقیقی در جهان وجود دارد، یکی روش کیفی (Qualitative method) و دیگری روش کمی (Quantitative method) است. میتودی را که محقق درین تحقیق به‌کار برده است همانا روش کیفی - تحلیلی است که معلومات را از منابع دست دوم مانند کتاب‌ها، رساله‌های علمی، مقالات، کنفرانس‌ها و غیره جمع‌آوری کرده، تحلیل نموده و نظر راجح و مناسب با شرایط و ظروف فعلی را مدلل بیان کرده است.

ساختار و چارچوب مفهومی مقاله

مقاله هذا مشتمل بر سه محور است، محور نخست بررسی مفاهیم و موضوعات عمومی، محور دوم نظریات فقهاء متقدمین در مورد تأثیر تغییر قیمت فلوس و اسکناس بر دین، محور سوم نظریات

^۱. شیخ ابن منیع، عبد الله بن سلیمان. (۱۹۹۰). مجلة مجمع فقه اسلامي، شماره اول، مکه مکرمه.

^۲. دکتورهایل، عبد الحفیظ یوسف. (۱۹۹۹). ارائه شده در معهد بین المللی اندیشه اسلامی قاهره، مصر.

^۳. دکتور بوحدیده، محمد. (۲۰۱۹). استاد مدرسه عالیہ در الجزائر.

^۴. ابوزید، عبد العظیم. (۲۰۱۹). استاد پوهنتون حمد بن خلیفه، قطر.

دانش‌مندان معاصر در مورد تأثیر تغییر قیمت اسکناس بر دین، یافته‌های تحقیق، نظر محقق و نتیجه‌گیری می‌باشد.

محور نخست: بررسی مفاهیم و کلیات

جایگاه دین در اسلام

دیون از جمله حقوق عباد و مهم‌ترین معاملات بشری است که انسان‌ها جهت رسیدن به آن تلاش‌های فراوانی می‌کنند، و گاهی سبب بروز منازعات و خصومت‌های ذات‌البینی می‌گردد؛ ازین‌رو تمرکز شریعت اسلامی به‌خصوص عظمت موضوع زیاد بوده و نصوص فراوانی به برجستگی آن دلالت دارند، از جمله حدیث ابو قتاده رض است: رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان ما خطبه ایراد فرمودند: که جهاد در راه الله متعال و ایمان به الله از بهترین اعمال است، مردی گفت: یا رسول الله اگر من کشته شوم همه گناهان من بخشیده می‌شود؟ فرمودند: «نَعَمْ، وَأَنْتَ صَابِرٌ مُحْتَسِبٌ، مُقْبِلٌ غَيْرٌ مُدْبِرٍ، إِلَّا الدَّيْنَ، فَإِنَّ جَبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِي ذَلِكَ»^(۵)، بلی چنین است درحالی‌که صابر و با نیت خوب باشی، از میدان جهاد فرار نکنی، مگر دین و هر آینه جبریل علیه السلام آن‌را برایم گفت. ابو موسی اشعری روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ أَعْظَمَ الذُّنُوبِ عِنْدَ اللَّهِ أَنْ يَلْقَاهُ بِهَا عَبْدٌ بَعْدَ الْكِبَائِرِ الَّتِي نَهَى اللَّهُ عَنْهَا، أَنْ يَمُوتَ رَجُلٌ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ، لَا يَدْعُ لَهُ قَضَاءً»^(۶)، بزرگ‌ترین گناه بعد از کبائر نزد الله متعال آنست که شخص الله متعال را ملاقات نماید در حالی‌که مدیون است و چیزی را جهت ادای دینش نگذاشته است. بر مبنای حدیث ابوهریره رض در صحیح البخاری رسول الله صلی الله علیه وسلم بر تأخیرکننده دین نماز جنازه نمی‌خواندند، و بعد از فتوحات اسلامی و توانایی بیت‌المال رسول الله صلی الله علیه وسلم جنازه مدیون را می‌خواندند؛ زیرا امکان پرداخت آن از بیت‌المال و یا کفالت شخص دیگری وجود داشت و الا نمی‌خواندند^(۷). رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «مَنْ أَخَذَ أَمْوَالَ النَّاسِ يُرِيدُ أَدَاءَهَا أَدَّى اللَّهُ عَنْهُ، وَمَنْ أَخَذَ يُرِيدُ إِتْلَافَهَا أَتْلَفَهُ اللَّهُ»^(۸). کسی که مال مردم را می‌گیرد و تصمیم پرداخت آن‌را دارد، الله متعال آن‌را اداء می‌کند و کسی که تصمیم

^۵. القشيري، مسلم بن الحجاج أبو الحسن النيسابوري. (۱۹۹۸م). صحیح مسلم، ط ۲، ناشر: دار إحياء التراث، بيروت، ۱۵۰۱/۳.

^۶. السجستاني، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق. (۲۰۰۵). سنن أبي داود، ناشر: المكتبة العصرية، صيدا - ۲۴۶/۳.

^۷. البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم الجعفي. (۱۹۸۷م). الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم وسننه وأيامه = صحیح البخاری، ط ۲، ناشر: دار ابن كثير - اليمامة - بيروت، ۱۰۰/۲.

^۸. همان ۱۲۸/۲.

اتلاف آن را دارد، الله متعال آن را تلف می کند. همه نصوص مذکور دلالت می کند بر جایگاه دین و بزرگ بودن جرم کسی که دین را نمی پردازد و یا ارادت مند پرداخت آن نیست.

تعریف تورم: واژه تورم که به زبان عربی (التضخم) و به زبان انگلیسی (inflation) گفته می شود، در لغت به معنای غلظت، بزرگی هر چیز، زیادت، اتساع و عریض بودن استعمال می گردد (۹).

تورم از منظر دانش مندان معاصر عبارت است از: "افزایش مستمر و پی هم در سطح عمومی قیمت ها" (۱۰). تورم پدیده اقتصادی است که در اثر افزایش مقدار پول توأم با ثبات کمیت کالاها و خدمات مورد نیاز مردم به میان آمده، منجر به افزایش سطح عمومی اسعار می گردد. تورم در نتیجه افزایش هزینه های عمومی عقیم، تمویل مصارف نظامی، افزایش حجم چاپ اسکناس ها، افزایش تقاضای عمومی کالاها و خدمات، دستمزد کارگران و قیمت لوازم تولیدی، گسترش بیکاری و توزیع نادرست درآمد ملی، کوتاهی دستگاه های مسئول در حفظ تناسب معقول بین جریان های نقدی و تولیدی در سطح کل کشور رخ می دهد.

انواع تورم از نگاه سرعت

تورم ضعیف (slow inflation): آنست که نرخ اسعار به گونه بطی و مستمر بلند رفته، افزایش قیمت ها دایمی و متوالی بوده و به دلیل عدم توسعه عمودی منجر به فرایندهای تجمعی یا خشونت آمیز در دوره کوتاه نمی شود و به شکل یک روند صعودی تدریجی و مداوم در دراز مدت می توان با آن همزیستی کرد، طوری که نرخ ها از ۳٪ در سال و یا ۵٪ تجاوز نکند؛ زیرا ثبات اقتصادی دو در صد ۲٪ توصیف شده است (۱۱). این نوع تورم در کشورهای صنعتی به شکل گسترده مشهود است.

۲- تورم شدید (Accelerated inflation): تورم شدید غالباً از تورم ضعیف به میان می آید، مگر شدت آن بیش تر و قوت آن بلندتر است و زمانی رخ می دهد که حرکت افزایش قیمت ها وارد چرخه افزایش بزرگ و متوالی شود، مثلاً نرخ تورم سالانه ۵٪ برای چهار سال متوالی دوام کند و بعضی هم به این باور اند که تورم شدید آنست که قیمت ها سالانه ۳ تا ۱۰ درصد افزایش یابد (۱۲).

۹. الرازي، محمد بن أبي بكر. (۱۹۹۵م). مختار الصحاح، ط ۱. ناشر: مكتبة لبنان ناشرون، بيروت، تحقيق محمود خاطر، ص: ۱۵۹.

۱۰. المصري، رفيق. (۲۰۰۱م). الجامع في أصول الربا، ط ۲. ناشر: دار القلم، دمشق، ص: ۲۳۷.

۱۱. مجدي، شهاب. (۲۰۰۰م). اقتصاديات النقود و المال، ط ۱. ناشر: دار الجامعة الجديدة للنشر، إسكندرية، مصر، ص:

۸۷.

۱۲. حسن، أحمد. (۱۹۹۰م). الأوراق النقدية في الاقتصاد الإسلامي، ط ۱. ناشر: دار الفكر، دمشق، ص: ۸۰.

۳- تورم جامح (Runaway inflation): آنست که در آن نرخ اسعار به شکل چشم گیری بلند رفته، ارزش پول پایین آمده و منجر به فروپاشی کل سیستم پولی شود. این نوع تورم در اثر جنگ ها و بحران های اقتصادی، عدم کنترل بازار به میان می آید مانند آلمان که بعد از جنگ جهانی اول به علت فشار مصارف ما بعد جنگ، پرداخت دیون و هزینه های بازسازی به فروپاشی مالی مواجه گردید طوری که ارزش مارک طلایی آلمان به حدی پایین آمد که در سال ۱۹۱۱ یک دالر آمریکای معادل حدود ۱۰۰ میلیارد مارک می رسید و مجارستان پس از دو جنگ و اتحاد جماهیر شوروی پس از انقلاب روسیه، برخی از تجارب اخیر در آمریکای لاتین در برازیل و آرژانتین و آنچه در عراق پس از محاصره اقتصادی و افغانستان در اواسط دهه هفتاد رخ داد^(۱۳).

تعریف اصطلاحات اقتصادی مهم: کساد، انقطاع و تغییر قیمت نقود

کساد مالی: در اقتصاد اسلامی کساد یک چیز آنست که مردم با دستور حکومت تعامل به آن را ترک کنند. نزد احناف اندازه کساد شرعی آنست که مردم در همه شهرها تعامل به آن را ترک نمایند؛ اگر در بعضی از شهرها به شمول شهر متعاقدين تعامل به آن صورت نمی گرفت، در آن صورت خيار عيب عارضی در بيع تلقی می شود نه کساد شرعی^(۱۴)، نزد حنابله اندازه کساد نقود آنست که مورد استعمال مردم قرار نگیرد و اگر سلطان ثمنیت آن را باطل سازد و مردم به استعمال آن ادامه دهند کساد شمرده نمی شود^(۱۵).

انقطاع مالی: انقطاع نقود آنست که به سببی از اسباب علی رغم عدم ابطال آن از طرف حکومت، تعامل مردم با آن ها کاهش یافته و از بازار منقطع گردد. نزد احناف و مالکیه اندازه انقطاع نقود آنست که در بازار یافت نشود اگر چه نزد صرافان موجود باشد.

تغییر قیمت نقود: آنست که ارزش آن در برابر کالاها و خدمات نزول و یا صعود نماید.

تعریف دین: دین در مقابل عین در لغت به معنای چیزی غایب و بر قرض نیز اطلاق می گردد^(۱۶). دین اصطلاحاً نزد فقهای احناف عبارت است از "الدین ما وجب فی ذمة المديون بعقد، أو استهلاك مال أو ضمان غصب" ^(۱۷) آن چه که در ذمة مديون اعم از نقود و غیره به اساس عقد، اتلاف و یا

^{۱۳} . الفولي، أسامة. (۱۹۹۷م). مبادئ النقود والبنوك، ط ۱. ناشر: دار الجامعة الجديدة للنشر، إسكندرية، مصر، ص: ۸۸.

^{۱۴} . ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز. (۱۹۹۲م). حاشية رد المحتار على الدر المختار، ط ۲، ناشر: دار الفكر، بيروت، ۲۶۸/۵.

^{۱۵} . ابن قدامة، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد المقدسي. (۱۹۶۸م). المغني لابن قدامة، ط ۱، ناشر: مكتبة القاهرة، مصر، ۲۱۸/۴.

^{۱۶} . الرازي، همان منبع، ۱۱۰/۱.

^{۱۷} . قدری، باشا. (۱۹۰۹م). مرشد الحیران إلى معرفة أحوال الإنسان، ط ۳، ناشر: المطبعة الأميرية، القاهرة، ص: ۳۹.

ضمان غصب لازم باشد. و از نگاه وقت پرداخت به دو نوع تقسیم می‌گردد: دین حالی و دین مؤجل، دین حالی آنست که اداء آن در هنگام طلب دائن فوراً لازم می‌باشد و دین مؤجل آنست که پرداخت آن پیش از فرا رسیدن موعد آن لازم نمی‌باشد. منظور از دین درین تحقیق دین مؤجل نقود است؛ چون اثر تورم در نقود ظاهر گردیده و ارتفاع اسعار قیمت نقود را کاهش می‌دهد نه دیون دیگر و دین مؤجل از تورم متأثر می‌گردد.

تعریف نقود

هر چیزی که وسیلهٔ سنجش قیمت و تبادل اشیاء بوده و مورد پذیرش اکثر مردم قرار بگیرد. تاریخچهٔ نقود: نقود از جملهٔ بارزترین اختراعات جامعه بشری است که توسط آن از زنجیرهای مقایضه آزاد شده و با شیوهٔ تبادل آسان نایل گردیده است. نقود مراحل مختلفی را طی کرده است، در نخست مرحلهٔ نقود کالای عام (commodity money) سپس به شکل کالای خاص نقود فلزی (metallic money) ظهور نمود، نقود فلزی نیز مراحل را طی نموده است که انتقال از مرحلهٔ پارچه و قطعه به مرحلهٔ سکهٔ (دینار و درهم) دارای وزن و عیار مشخص می‌باشد و درین مرحله معادن نفیسه با هم قابل تعامل بوده و نظام نقدی را به عنوان نظام معدن (Bi-Metallic) تشکیل دادند و الی مدت زیادی قابل تعامل بودند مگر تعامل به نقره اندکی عقب‌نشینی کرده و طلا به حیث سلطان نقدین قرار گرفت.

سپس پول‌های کاغذی (Bank note) سیر تکاملی خود را آغاز نمود، چنانچه تاجران و سرمایه‌داران طلاهای شان را در شهرهای امن نزد زرگران و صرافان به ودیعت گذاشته و از ایشان رسید و دیعت را دریافت می‌کردند و بعد اعتماد بین صرافان و تاجران عمیق‌تر شده طوری که رسید را با ارزش طلا به تاجر دیگر به فروش می‌رساندند و جهت سهولت تعامل به سند حامل تبدیل گردید و در نتیجه صرافان دریافتند که اصدار سند های کوچک و مساوی زمینهٔ تصرف آسان‌تر را برای تاجر فراهم می‌سازد. نخستین تلاش جهت اصدار سندات در سال ۱۶۵۶م توسط بانک استکهلم سویدن صورت گرفت؛ چنانچه سندات که تمثیل دین را می‌کرد صادر نموده و متعهد شد که در هنگام مطالبه قیمت آن‌ها را از طلا می‌پردازد و این سندات در حقیقت نخستین پول‌های کاغذی در جهان محسوب می‌گردد. بعد نظر به فواید فراوان آن‌ها حکومت‌ها حق اصدار و ادارهٔ آن‌ها را برای بانک‌های مرکزی اختصاص دادند، این آغاز اسکناس‌ها بود که در فاز نخست من حیث اسنادی بهادار از طلا نیابت کرده و قابل تبدیل به طلا بود (representative of convertible money)؛ ازین جهت نظام نقدی آن‌وقت را به نام نظام طلائی مسما کردند (Gold standard system). بعد از جنگ جهانی دوم اسکناس‌های زیادی صادر شد تا این که حکومت‌ها شهروندان خود را قانوناً ملزم به پذیرش اسکناس‌های (fiat money) غیر

قابل تبدیل به طلا را نمودند (inconvertible – paper money) ^(۱۸)، و امروز در اکثر کشورها بانک نوت‌ها پشتوانه طلائی نداشته؛ بلکه پشتوانه آن قدرت مالی غیر طلائی و جهانی یک کشور می‌باشد. نظام اسلامی نیز نقود را به‌عنوان وسایل تبادله و تعامل بین مردم تأیید کرده و در طول تاریخ اسلامی فراز و فرودهای را دارا بوده است، چنان‌چه در سیه اسلام و بامداد نبوت در شهر مکه معظمه که مرکز تجارتی کهنی در جزیره عرب بود، پول ویژه مورد تعامل قرار نگرفت؛ بلکه با نقودی که از کشورهای مجاور وارد می‌شد مانند دینار رومی، درهم فارسی تعامل صورت می‌گرفت. نظر به تعدد مصادر و اشکال غیر منضبط وزن آن‌ها مخصوصاً درهم، معتبر بوده تا مسکوک با اصل آن از نگاه وزن یک‌سان باشد. قریش نقره را به وزن درهم و طلا را به وزن دینار می‌سنجیدند، دینار هرقلی و درهم فارسی را من حیث پارچه طلا و نقره می‌دانستند نه مسکوک.

اهل مکه وزن دینار رومی را معادل یک مثقال و درهم را معادل ۱۰/۷ دینار تعیین کردند، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم و خلفای اربعه آن‌را تأیید کرده و میزان مکه را اساس و قاطبه همه موازین در سرزمین اسلام تعیین نمودند، چنان‌چه فرمودند: "المیزان میزان أهل مکه" ^(۱۹). نظام نقدی در عصر پیامبر اسلام طلا و نقره بوده و تمام احکام و واجبات شرعی توسط آن‌ها سنجش می‌گردید. در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم وزن درهم معادل شش دانق و ده درهم معادل هفت مثقال قرار می‌گرفت. در عهد عبدالملک بن مروان خلیفه اموی منازعات تعاقبی بین او و شاه روم به میان آمد، سپس جهت اصلاح نقدی حکم به اصدار درهم جدید بر سکه اسلامی از نگاه نقش و وزن نمود. آن زمان نقود هر کشور نشانه از عقیده آن بود چنان‌چه در یک روی درهم فارسی عکس شاه و در روی دیگر معابد آتش و در یک طرف دینار رومی عکس امپراطور و در طرف دیگر آن عکس کلیسا و شعار صلیب حک گردیده بود. عبدالملک بن مروان در نخست در سال ۷۴ هـ به شکل دینار رومی دیناری را ضرب کرد که در یک طرف آن حلقه‌های احاطه شده با کلمه توحید و در طرف دیگری آن تصویری که ممثل خلیفه مسلمانان بود حک شده بود، سپس در سال ۷۷ هـ حکم به اخراج مسکوکات اجنبی کرده و دینارهای مستقل اسلامی را ضرب زد چنان‌چه در یک طرف آن کلمه توحید و در طرف دیگر آن سوره اخلاص با ذکر رسول الله صلی الله علیه وسلم، محل ضرب و تاریخ آن با خط عربی نقش شده بود. نزد فقهای اسلام وزن دینار برابر یک مثقال و معادل ۷۲ جو پوست نشده و درهم معادل ۵۰،۴ جو می‌باشد. و وزن دینار عبدالملک در سال ۷۴ معادل (۴،۵۰) گرام و در سال معادل ۷۷

^{۱۸}. السبھانی، عبد الجبار محمد عبید. (۱۹۹۹م). (النقود فی عصر التشريع) Islamic money in the Era of legislation)، ناشر: مجلة كلية العلوم الإسلامية، بغداد، عدد: ششم، ص (۲۱۷-۲۴۲). <https://al-sabhany.com>.

^{۱۹}. البیهقی، أحمد بن الحسین بن علی. (۲۰۰۳م). السنن الکبری، ناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان، ط ۳. ۲۸۵/۴.

(۴,۴۸) گرام بوده و سپس وزن دینار معادل (۴,۲۵) گرام قرار گرفت، چنانچه آنرا دکتور ریسونی و قرضای تأیید کردند (۲۰). در تاریخ اسلامی نقود نیز عین مراحل را پیموده چنانچه از نقود خلقتی (طلا و نقره) به نقود اصطلاحی و قانونی فلوس و اسکناس ها تغییر شکل داد.

قیمت نقود: نقود دارایی دو نوع قیمت است، یکی قیمت حقیقی و تبادلی است که عبارت از همان قدرت خرید مقدار کالاها و خدمات با آن ها (purchasing power) می باشد و دیگری قیمت نقدی و یا اسمی (face value) یعنی قیمت نوشته شده بر پول است مانند ده افغانی، بیست افغانی. قیمت اسمی نقود همیشه ثابت و لایتغیر است (۲۱). نقود از نگاه ماهیت بر دو نوع است: نقود خلقتی (Congenital money)، نقود اصطلاحی (idiomatic money).

نقود خلقتی از طلا و نقره گرفته شده و خلقتاً به عنوان قیمت اشیاء معامله می شوند (۲۲). ابن تیمیه می گوید: "والدراهم والدنانیر لا تقصد لنفسها بل هی وسیلة إلى التعامل بها ولهذا کانت أثماناً" (۲۳). درهم و دینار مقصود بالذات نبوده؛ بلکه وسیله تعامل می باشند. ازین جهت به آن ها ثمن گفته می شود. کاسانی می گوید: "الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ لَا يَحْتَاجُ فِيهِمَا إِلَى نِيَّةِ التَّجَارَةِ؛ لِأَنَّهَا مُعَدَّةٌ لِلتَّجَارَةِ بِأَصْلِ الْخِلْقَةِ" (۲۴). در طلا و نقره نیت تجارت ضرورت نیست؛ زیرا آن ها خلقتاً برای تجارت آفریده شدند. سرخسی می گوید: "فَأَمَّا الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ ثَمَنٌ بِأَصْلِ الْخِلْقَةِ" (۲۵). طلا و نقره در اصل خلقت ثمن پنداشته می شوند. در حقیقت صفت نقدیت از طلا به کلی از بین نرفته و تا امروز در معاملات مانند یک کرنسی بین المللی استفاده شده و به حیث پول احتیاطی و قدرت مالی برای بانک ها و حکومت ها می باشد؛ مگر نقره صفت نقدیت را از دست داده و ارزش فلزی آن به سودمندی آن در استعمال صنعتی متوقف است.

نقود اصطلاحی آنست که مردم بر اساس عرف و اصطلاح عمومی آن ها را ثمن اشیاء می دانند و شامل فلوس و اسکناس ها می شود؛ زیرا هر دو آن ها بر اساس عرف مردم ثمن محسوب می شوند (۲۶).

۲۰. السبھانی، همان منبع، ص: ۲۲۵.

۲۱. هایل، عبد الحفیظ. (۱۹۹۹م). تغیر القيمة الشرائیة للنقود الورقة، ط ۱. ناشر: المعهد العالمی للفکر الإسلامی، قاهرة، ص: ۱۸۰-۱۸۱.

۲۲. الکفرای، عوف. (۱۹۹۹م). النقود و المصارف فی النظام الإسلامی، ط ۲. ناشر: دار الجامعات المصریة، قاهرة، ص: ۱۹.

۲۳. ابن تیمیة، تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم الحارانی. (۱۹۹۵م). مجموع الفتاوی، ط ۲، ناشر: مکتبه ابن تیمیة لإحياء کتب التراث الإسلامی، ج: ۱۹، ص: ۲۵۲.

۲۴. کاسانی، علاء الدین أبوبکر بن مسعود الحنفی. (۱۹۸۶م). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ط ۲، ناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت، ۲/۲۱.

۲۵. السرخسی، محمد بن أحمد شمس الأئمة السرخسی. (۱۹۹۳م). المبسوط، ط ۱، ناشر: دار المعرفة، بیروت، ۱۲/۱۳۷.

۲۶. شبیر، محمد عثمان. (۲۰۰۱م). المعاملات المالیة العاصرة فی الفقه الإسلامی، ط ۴، ناشر: دار النفائس للنشر و الطبع، الأردن، ص: ۱۷۶.

فلوس سکهٔ مسی مضروب شده از معادن و فلزهای غیر از طلا و نقره می‌باشد؛ اگرچه از طلوع اسلام به معنای سکهٔ مسی استفاده شده مگر لزوماً به معنای آن نیست؛ زیرا در زمان‌های بعدی معنای آن گسترده‌تر گردیده و سایر نقود نیز فلوس گفته می‌شود؛ بنابراین فلوس عبارت از چیزهای اندک که مردم آن‌ها را بدون طلا و نقره و قطع نظر از قیمت آن‌ها ثمن برای اشیاء قرار می‌دهند مانند آهن، مس، پوست و غیره (۲۷).

سرخسی می‌گوید: "قَالَفُلُوسُ الرَّائِجَةُ بِمَنْزِلَةِ الْأَثْمَانِ؛ لِاصْطِلَاحِ النَّاسِ عَلَى كَوْنِهَا ثَمَنًا لِلْأَشْيَاءِ" (۲۸). فلوس مروج به علت این که در اصطلاح مردم ثمن اشیاء قرار می‌گیرند، به مثابهٔ ثمن محسوب می‌گردند.

موصلی می‌گوید: "وَلَا يَلْبِي حَيِّفَةً أَنْ ثَمِّيَّةَ الْفُلُوسِ بِالْإِصْطِلَاحِ" (۲۹) نزد ابوحنیفه ثمنیت فلوس نظر به اصطلاح و عرف مردم است.

اسکناس پول‌های کاغذی است که به حیث وسیلهٔ تبادل به کار می‌رود و باید مورد قبول عام مردم جامعه قرار گرفته باشند و هر یک ازین ارزها جنس مستقل و قائم بذاته بوده و امروز در تمام کشورها به حیث یک کرنسی اساسی متداول می‌باشد.

رابطه بین قیمت حقیقی نقود خلقتی و قیمت اسمی آن‌ها رابطهٔ تقارب بین قیمتین است؛ زیرا ارزش ذاتی داشته، از نقدین گرفته شده و از نگاه صعود و نزول با آن‌ها مرتبط اند (۳۰). بنابراین قیمت اسمی آن‌ها با قیمت مماثل وزنی / فلزی آن‌ها در بازار یکسان می‌باشد.

اما قیمت اسمی نقود اصطلاحی اعم از فلوس و اسکناس با قیمت حقیقی آن‌ها تفاوت زیاد دارند؛ زیرا آن‌ها نقود اصطلاحی اند که ثمنیت خود را از اصطلاح مردم، قانون و قوت اقتصادی دولت به شکل عام می‌گیرند؛ بنابراین یا ارزش اندک دارند مانند فلوس و یا هم دارای قیمت نیستند مانند نقود کاغذی؛ زیرا آن‌ها ذاتاً قابل تقاضا نبوده؛ بلکه به حیث وسیلهٔ مالی استفاده می‌شود.

نقود خلقتی زیاد از تورم متأثر نمی‌شود؛ زیرا ارزش آن‌ها به عنوان پول تفاوت چندانی با ارزش آن به عنوان کالا ندارد و مطابق قانون عرضه و تقاضا مانند سایر کالاها در نوسانات قرار دارند. در حقیقت

۲۷. الشافعی، محمد زکی حسن. (۱۹۸۳م). النقود بین القديم والحديث- دراسة تحليلية مقارنة عن العملة في العالم العربي، ط ۲، ناشر: دار المعارف، بیروت، ص: ۸۴.

۲۸. سرخسی، همان منبع، ۲۵/۱۴.

۲۹. موصلي، عبد الله بن محمود بن مودود. (۱۹۳۷م). الاختيار لتعليل المختار، ط ۱، ناشر: دار الكتب العلمية، بیروت، ۶۱/۲.

۳۰. هایل، عبد الحفیظ. (۱۹۹۹م). تغير القيمة الشرائية للنقود الورقة، ط ۱. ناشر: المعهد العالمي للفكر الإسلامي، القاهرة، ص: ۱۸۰.

تعامل با نقود خلقتی سبب عدم وقوع تورم و تقلب نرخ‌ها به شکل سریع می‌گردد؛ بنابراین در سایه تعامل به این نقود نرخ اسعار نسبتاً ثابت می‌ماند و سیستم طلائی (النظام الذهبی) یک سیستم خودکار است و از خلال استقرار تاریخ پول و یا نقود می‌توان دریافت که آغاز موارد تورم زمانی رخ داده که درهم و دینار تقلبی (مغشوش) و فلوس به معنای عام به عنوان پول اصلی رایج شده است؛ ازین جهت پرداخت مثل دیون نقود خلقتی در حالت تغییر قیمت‌ها به اتفاق فقها صورت می‌گیرد^(۳۱). ابن عابدین در رساله مشهورش "تنبيه الرقود علی مسائل النقود": می‌گوید: "فإنه لا يلزم لمن وجب له نوعٌ منها سواه بالإجماع"، بالای کسی که هر کدام از آن‌ها لازم شده است، به اجماع امت غیر از پرداخت عین آن چیزی دیگری لازم نمی‌گردد.

محور دوم نظریات فقهاء متقدمین در مورد تأثیر تغییر قیمت فلوس و اسکناس بر دین

نزول قیمت فلوس به معنای خاص: در صورت نزول قیمت فلوس فقها سه دیدگاه را مطرح نمودند: نخست: نزد جمهور فقهای مذاهب اربعه، امام ابوحنیفه^(۳۲)، امام مالک، امام شافعی^(۳۳)، امام احمد بن حنبل، ظاهریه^(۳۴)، زیدیه و امامیه تغییر قیمت فلوس اعتبار نداشته و بر مدیون پرداخت مثل واجب می‌گردد؛ زیرا فلوس از جمله مثلیات است و مانند مثلیات دیگر در هر حالت مثل آن پرداخت می‌شود. و مثل یک چیز شبیه‌تر به قیمت آنست و حق دائن را بهتر جبران می‌کند. در حالت بطلان عقد پرداخت مثل لازم است؛ پس در حالت تغییر قیمت به طریق اولی رد مثل واجب می‌باشد^(۳۵). قرض از جمله عقود ضمان است و در عقود ضمان مثل مضمون پرداخت می‌گردد^(۳۶). افزایش بر مثل و یا کاهش آن ربا است و هم‌چنان تعیین قیمت و مقدار تغییر آن دشوار بوده و منجر به اختلاف و نزاع می‌گردد. دوم: نزد امام ابویوسف (رأی مفتی به احناف) و امام محمد و بعضی حنابله^(۳۷) بر مدیون پرداخت قیمت فلوس در هر حالت لازم می‌باشد، در بیع قیمت روز انعقاد آن و در قرض قیمت روز قبض آن

^{۳۱}. ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبد العزیز. (۱۹۹۲م). تنبيه الرقود علی أحكام النقود، مخطوطة.

^{۳۲}. ابن عابدین (حاشیه)، ۵۳۳/۴.

^{۳۳}. الشیرازی، أبو إسحاق إبراهيم بن علي. (۱۹۷۶م). المذهب في فقه الإمام الشافعي، ط ۲، ناشر: دار المعرفة، بیروت، ۴۰۲/۱.

^{۳۴}. ابن حزم، أبو محمد علي بن أحمد بن حزم الأندلسي. (۱۹۸۵م). المحلى بالآثار، ط ۱، ناشر: دار الفكر - بیروت - ۷۷/۸.

^{۳۵}. الهیثمی، أحمد بن محمد بن علي. (۱۹۸۳م). تحفة المحتاج في شرح المنهاج، ط ۱، ناشر: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، قاهرة، ۴۴/۵.

^{۳۶}. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر جلال الدين. (۲۰۰۴م). الحاوي للفتاوي، ط ۲، ناشر: دار الفكر للطباعة و النشر، بیروت - لبنان، - ۹۷/۱.

^{۳۷}. ابن مفلح، ابواسحاق، إبراهيم بن محمد بن عبد الله. (۱۹۹۷م). المبدع في شرح المقنع، ط ۱، ناشر: دار الكتب العلمية، بیروت، لبنان، ۲۷۰/۲.

تعیین می‌گردد و این نظریه قدری شاه است چنانچه می‌گوید: "إذا استقرض مقداراً معيناً من الفلوس الرائجة والنقود غالبه الغش، فكسدت وبطل التعامل بها، فعليه رد قيمتها يوم قبضها لا يوم ردها" (۳۸). اگر شخص مبلغ مشخصی را از فلوس رایجه و یا نقودی که غش یعنی اکثر مواد آن از فلزات غیر از طلا و نقره باشد (۳۹) آن غالب باشد قرض گرفت، سپس کاسد شده و تعامل با آن‌ها باطل گردید، بر مدیون لازم است تا قیمت روز قبض آن‌را به دائن بپردازد؛ زیرا در صورت دشوار بودن پرداخت مثل و معیوب شدن شیئی در مثلیات پرداخت قیمت آن لازم می‌گردد (۴۰). پرداخت مثل منجر به امتناع مردم از پرداخت قرض به علت ترس از کاهش قیمت فلوس گردیده و در نتیجه باعث قلت تعاون و همکاری و اختلال اجتماعی در جامعه می‌گردد.

سوم: در یک نظریه مالی که در صورت نزول فاحش قیمت فلوس، پرداخت قیمت آن واجب می‌گردد و در صورت یسیر بودن مثل آن؛ زیرا در صورت تغییر فاحش دائن متضرر می‌گردد و تغییر اندک قابل تسامح است (۴۱).

نظریه سوم جهت تحقق مصالح مردم و دفع ضرر از ایشان راجح می‌باشد؛ زیرا تغییر یسیر مانند غبن یسیر و ضرر یسیر مغتفر به است و هیچ ضرر بزرگی بر متعاقدين مرتب نمی‌گردد.

تأثیر تغییر قیمت اسکناس بر پرداخت دین: در واقع این نقود نسبت به نقود دیگر بیش‌تر از تورم متأثر می‌شوند؛ زیرا آن‌ها پاره‌های کاغذی هستند که در ذات خود ارزشی نداشته و مؤسسات مالی برای رفع کسر بودجه یا پوشش هزینه‌های گزاف دولت مقداری زیادی از آن‌ها را چاپ می‌کنند که منجر به تورم شده و قدرت خرید آن ضعیف می‌گردد. اسکناس‌ها نقود مستقل بوده و دارای طبیعت و ماهیت خاصی می‌باشد و وجه اشتراک آن‌ها با فلوس در اصطلاحی بودن و با نقود خلقتی در ثمنیت است (۴۲).

تورم و تغییر در ارزش پول‌های کاغذی در قالب کساد، انقطاع و تغییر قیمت آن‌ها صورت می‌گیرد: **کساد نقود و اثر آن بر دین:** نزد جمهور فقهاء مقترض در حالت کساد باید مثل آن‌را بپردازد و کساد در دین هیچ تأثیری ندارد؛ زیرا قرض در اصل عاریت است و موجب آن پرداخت عین می‌باشد و اگر قرض در حقیقت عقد معاوضه باشد که موجب پرداخت مثل است مستلزم ربای نسبی می‌گردد؛ ازین جهت پرداخت عین آن لازم است و در مقابل، حنبله و شاگردان امام از مذهب حنفی پرداخت قیمت

۳۸. قدری شاه، همان منبع، ماده (۶۹۵).

۳۹. منظور فلوس مسی، دراهم و دنانیر غالب الغش میباشد نه مغلوب الغش؛ زیرا مغلوب الغش حکم نقدین را دارد.

۴۰. الزرقا، أحمد بن شیخ بن محمد الزرقا. (۱۹۹۶م). شرح القواعد الفقهية، ط ۴، ناشر: دار القلم، دمشق، ص: ۱۷۴.

۴۱. الزرقانی، عبد الباقي بن یوسف المصري. (۲۰۰۲م). شرح الزرقانی علی مختصر خلیل، ط ۱. ناشر: دار الکتب العلمیة- بیروت- لبنان، ۱۱۸/۵.

۴۲. الأشقر، محمد. (۱۹۹۸م). النقود و تقلب قيمة العملية، ط ۱. ناشر: دار الفنائس للنشر و التوزیع- الأردن، ص: ۲۸۴.

را واجب می‌داند؛ زیرا در صورت بطلان وصف ثمنیت به اثر کساد عارض بر نقود، پرداخت مثل آن مانند حالت انقطاع متعذر بوده و قیمت آن واجب می‌گردد. جمهور فقهاء بر خلاف حنابله و شاگردان امام، وصف ثمنیت را درین مسأله در پرداخت مثل بخشیده شده دانسته و آن را مؤثر بر مثلثیت نمی‌دانند. و راجح در مذهب حنفی قول صاحبین است و صاحب هدایه نیز دلیل ایشان را بعد از دلیل امام ابوحنیفه ذکر کرده است و این منهج او در بیان قول راجح در مذهب حنفی است^(۴۳). او می‌گوید: "ولو استقرض فلوسا نافقة فكسدت عند أبي حنيفة يجب عليه مثلها؛ لأنه إعارة، وموجه رد العين معنى والتمنية فضل فيه إذ القرض لا يختص به وعندهما تجب قيمتها لأنه لما بطل وصف التمنية تعذر ردها كما قبض فيجب رد قيمتها كما إذا استقرض مثليا فانقطع لكن عند أبي يوسف يوم القبض وعند محمد يوم الكساد على ما مر من قبل وأصل الاختلاف فيمن غصب مثليا فانقطع وقول محمد أنظر للجانبين وقول أبي يوسف أيسر"^(۴۴). اگر فلوس مروطه را قرض گرفت سپس کاسد شد نزد امام ابوحنیفه پرداخت مثل آن لازم می‌باشد؛ زیرا حکم اعاره را دارد و موجب آن معنا پرداخت عین است و ثمنیت یک چیز اضافی است؛ چون قرض مختص به ثمن نیست. نزد صاحبان پرداخت قیمت آن واجب می‌گردد؛ زیرا با بطلان وصف ثمنیت پرداخت عین آن همان‌طور که قبض گردیده باطل شد؛ پس پرداخت قیمت آن لازم می‌باشد، چنان‌چه که مال مثلی را قرض نماید و سپس قطع گردد، مگر نزد امام ابویوسف قیمت روز قبض و نزد امام محمد قیمت روز کساد لازم می‌شود. اصل و مبدأ اختلاف شان همان انقطاع مال مغصوبه مثلی پس از غصب آن است، نظر امام محمد برای جانبین مناسب‌تر و نظر ابویوسف آسان‌تر می‌باشد.

انقطاع نقود و اثر آن بر دین: چنان‌چه ابن عابدین می‌گوید درین مورد از ابوحنیفه چیزی روایت نشده است و نزد صاحبین درین حالت نیز پرداخت قیمت لازم می‌باشد. و از جمهور فقهاء مالکیه نیز در صورت قطع نقود از شهر متعاقدين، حکم به پرداخت قیمت روز مطالبه بر اساس واحد پولی بدیل موجود می‌نمایند.

تغییر قیمت نقود و آثار مرتب بر آن: نزد مالیکه، شافیه، حنابله، اهل ظواهر و ابن تیمیه تغییر اسعار در دین اعتبار نداشته و پرداخت مثل لازم است؛ چنان‌چه امام مالک می‌گوید: "لأن كل شيء أعطيته

^{۴۳} ابن همام، کمال الدین محمد بن عبد الواحد السیواسی. (ب ت). فتح القدیر، ناشر: دار الفکر - بیروت - لبنان، ط ۲، ۱۶۰/۷.

^{۴۴} المرغینانی، أبو الحسن برهان الدین علی بن أبي بكر. (۱۹۹۵). الهدایة فی شرح بدایة المبتدی، ناشر: ناشر: دار احیاء التراث العربی - بیروت - لبنان، ۸۵/۳.

إِلَى أَجَلٍ قَرَدَ إِلَيْكَ مِثْلُهُ وَزِيَادَةٌ فَهُوَ رَبًّا" ^(۴۵)؛ ترجمه: زیرا هر چیزی که مؤجل برای کسی می‌دهی و سپس مثل و افزون بر آن به شما پرداخت می‌گردد ربا محسوب می‌شود. شیرازی می‌نویسد: "و یجب علی المستقرض رد المثل فیما له مثل لأن مقتضى القرض رد المثل" ^(۴۶)؛ ترجمه: بر مدیون پرداخت مثل لازم است؛ زیرا مقتضای قرض پرداخت مثل است. ابن قدامه می‌گوید: "أَنَّ الْمُسْتَقْرَضَ يَرُدُّ الْمِثْلَ فِي الْمِثْلِيَّاتِ، سَوَاءً رَخَّصَ سِعْرُهُ أَوْ غَلَا، أَوْ كَانَ بِحَالِهِ لِأَنَّهُ لَمْ يَحْدُثْ فِيهَا شَيْءٌ، إِنَّمَا تَغَيَّرَ السَّعْرُ، فَاشْبَهَ الْحِنْطَةَ إِذَا رَخَّصَتْ أَوْ غَلَّتْ" ^(۴۷)؛ ترجمه: مدیون در مثلیات پرداخت مثل را می‌پردازد برابر است که نرخ صعود کرده باشد یا نزول و یا ثابت باشد؛ زیرا فقط نرخ تغییر کرده است و مشابه گندم است وقتی که ارزان و گران می‌شود.

ابن حزم می‌گوید: "و لَا يَجُوزُ فِي الْقَرْضِ إِلَّا رَدُّ مِثْلِ مَا اقْتَرَضَ لَا مِنْ سِوَى نَوْعِهِ أَصْلًا" ^(۴۸)؛ یعنی در قرض جز پرداخت مثل آن چیزی دیگر لازم نمی‌شود. ابن تیمیه می‌گوید: "فَأَنَّهُ لَا يَجِبُ فِي الْقَرْضِ إِلَّا رَدُّ الْمِثْلِ بِلَا زِيَادَةٍ" ^(۴۹)؛ در قرض جز پرداخت مثل بدون زیادت چیزی دیگری واجب نمی‌باشد. قوانین وضعی کشورها از جمله قانون مدنی افغانستان نیز پرداخت مثل را در قرض لازم می‌داند، در ماده (۵۸۸) چنین صراحت دارد: "هرگاه موضوع وجیهه را نقود تشکیل بدهد، مدیون به پرداخت مقداری که در عقد ذکر گردیده مکلف می‌باشد. صعود یا تنزیل نرخ پول در پرداخت دین تأثیر ندارد، مگر این که در قانون یا موافقه طرفین طور دیگری تصریح یافته باشد".

و در ماده (۱۲۹۳) "هرگاه قرض بر اشیائی پیمانه یا وزنی یا مسکوکات یا بانکنوت صورت گرفته باشد، قرض‌گیرنده برد مثل آن مکلف می‌باشد. گرچه نرخ نزول یا صعود کرده باشد".

نزد امام ابوحنیفه در هر حالت پرداخت مثل لازم است و نزد صاحبان پرداخت قیمت لازم می‌گردد با این تفاوت که نزد امام محمد پرداخت قیمت روز تغییر و نزد ابویوسف - و علیه الفتوی عند الحنفیه - در بیع و قرض بر مشتری و مقترض پرداخت قیمت روز انعقاد و قبض لازم می‌گردد. فقهای احناف در مورد قول مفتی به اختلاف نمودند، در فتاوی قاضی خان گفته است: "قال محمد: قيمتها في آخر يوم كانت رايجة و عليه الفتوى و قول أبي يوسف أيسر - أي للمفتي و القاضي - لأن قيمته يوم القبض

^{۴۵}. الأصبحي، مالك بن أنس بن مالك بن عامر المدني. (۱۹۹۴). (المدونة الكبرى)، ناشر: دار الكتب العلمية، ط ۱، ۷۵/۳.

^{۴۶}. الشيرازي، همان منبع ۸۵/۲.

^{۴۷}. ابن قدامه، همان منبع، ۲۳۹/۲.

^{۴۸}. ابن حزم، همان منبع، ۴۰۲/۷.

^{۴۹}. ابن تیمیه، همان منبع ۴۷۳/۲۹.

معلومة و يوم الإنقطاع لا يعرف إلا بالخرج". امام محمد می گوید که پرداخت قیمت آخرین روز مروج بودن آن اعتبار دارد و فتوا نیز بر آن بناست و قول امام یوسف آسان تر برای مفتی و قاضی است؛ زیرا قیمت روز قبض معلوم و آشکار است نسبت به روز انقطاع. مگر علامه ابن عابدین رحمه الله تعالی عنه ما را از مراجعه به کتب مذهب حنفی توسط رساله قیمتی اش (تنبيه الرقود علی مسائل النقود) مستغنی کرده است، او پس ازین که اقوال فقهاء را در مورد تغییر نقود، کساد و انقطاع بیان داشته، اشاره به قول مفتی به هنگام اختلاف در کساد و انقطاع نموده: "و في الذخيرة الفتوى على قول أبي يوسف، و في التهمة و المختار و الحقائق: بقول محمد يفتي رفقا بالناس" در ذخیره فتوا بر قول امام ابویوسف مگر در تتمه و مختار و حقایق جهت سهولت بر مردم فتوا به قول امام محمد است. سپس ابن عابدین می گوید: "و لم أر من جعل الفتوى على قول الإمام" من کسی را ندیدم که به قول ابوحنیفه فتوا داده باشد^(۵۰).

محور سوم نظریات دانش مندان معاصر در مورد تأثیر تغییر قیمت اسکناس بر دین: علمای معاصر نیز نظریات مختلفی را پیرامون تأثیر تغییر قیمت نقود بر دین مطرح کردند، چنانچه بعضی از ایشان پرداخت مثل را لازم می دانند، بعضی پرداخت قیمت را، بعضی تغییر فاحش، بعضی مماطلت، بعضی توقف و دسته ی دیگری هم موضوع مصالحه را مطرح می کنند^(۵۱).

پرداخت مثل پول برای دائن: بعضی از دانش مندان معاصر در صورت تغییر قیمت اسکناس ها پرداخت مثل آن را لازم می دانند، این نظریه دکتور محمد تقی عثمانی^(۵۲)، دکتور علی السالوس و عبدالله بن منیع^(۵۳) است، در صورت که از طرف مدیون مماطلت صورت نگرفته باشد.

و دکتور یوسف قاسم^(۵۴)، دکتور محمد عبده عمر و شیخ محمد علی التسخیری^(۵۵)، و شیخ محمد المختار السلاوی^(۵۶) نیز موافق این نظریه اند در صورتی که متعاقدين بر تثبیت قیمت التزام بر معیار

^{۵۰}. ابن عابدین، همان منبع، ۲۷۰/۵.

^{۵۱}. سالوس، علي. (۱۹۸۷م). النقود و استبدال العملات، ط ۲. ناشر: مكتبة الفلاح- توزيع دار الاعتصام، القاهرة، ص: ۴۷-۴۸.

^{۵۲}. عثمانی، محمد تقی. (۲۰۰۱). مسألة تغير قيمة العملة و ربطها بقائمة الأسعار، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره: ۵. ص: ۱۸۵۱/۳.

^{۵۳}. ابن منیع، عبدالله بن منیع. (۲۰۰۱). موقف الشريعة الإسلامية من ربط الحقوق و الالتزامات المؤجلة بمستوى الأسعار، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره: ۵. ۸۲۴/۳.

^{۵۴}. قاسم، يوسف (ب ت)، تغير قيمة العملة، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره: ۵. ۱۷۰۹/۳.

^{۵۵}. التسخيري، محمد علي (بدون تاريخ)، تغير قيمة العملة، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره: ۵. ۱۸۰۷/۳.

^{۵۶}. المختار، محمد (بدون تاريخ)، مفهوم كساد النقود الورقية و أثره في تعيين الحقوق و الالتزامات الآجلة و حدود التضخم التي يمكن أن تعتبر معه النقود الورقية نقودا كاسدة، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره: ۹. ۶۷۱/۲.

خاص دیگری موافقه نکرده باشند. قول ابی یوسف در مورد وجوب پرداخت قیمت فلوس در صورت تغییر آن بر اسکناس‌ها تطبیق نمی‌گردد، ارزان شدن و گران شدن اسکناس‌ها در مورد لزوم پرداخت مثل اعتبار ندارد؛ مگر این‌که نزول به درجه برسد که ثمنیت خود را از دست بدهند، درین صورت مانند حالت انقطاع قیمت واجب می‌گردد (۵۷).

ایشان علاوه بر دلایل گذشته، به آیاتی استدلال می‌کنند که دلالت به وجوب وفاء به عهد و التزام به شروط متفق علیها بین متعاقدین می‌نماید، الله متعال می‌فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ} [۵۸]. ای مؤمنان به عقدها و تعهدهای تان پای‌بند باشید. این نص قرآن مجید دلالت می‌کند بر لزوم التزام به آن‌چه که بین متعاقدین صورت می‌گیرد، بدون زیادت و نقصان. هم‌چنان پرداخت قیمت ظلم تلقی می‌گردد؛ زیرا الله متعال فرموده است که مثل رأس المال‌های تان را بگیرید و در غیر آن یا ظالم و یا مظلوم قرار می‌گیرید. تماثل در حقیقت یک امر مطلوب جهت اجتناب از ربا است چنان‌چه رسول الله صلی الله علیه وسلم با صراحت کامل این تماثل مطلوب را در احادیث ربای فضل بیان داشته است و تماثل معتبر در شریعت اسلامی در اندازه و مثل می‌باشد. نقود به اشیای مثلی دیگر و نقدین مقایسه می‌گردد؛ چنان‌چه در آن‌ها پرداخت مثل لازم است در نقود نیز لازم است. بر اساس اصل مثلثیت در عقود، هر عقد در صورت تکمیل شروط صحیح و عدم موانع در آن بر متعاقدین لازم می‌گردد (۵۹). قرض یک نوع عقد تبرع و ارفاق است، ثواب و پاداش آن از طرف الله متعال می‌باشد و به تصدق و خیر منتهی می‌گردد {وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ} [۶۰]، اگر مدیون تنگ‌دست بود او را تا زمان دریافت پول مهلت دهید و اگر صدقه کردید بهتر است؛ اگر شما بدانید. پس چگونه مدیون تفاوت تورم را متحمل شود درحالی‌که قرآن مجید به تصدق آن رهنمایی می‌کند. هم‌چنان قرض‌های بین‌الدولی مثل آن پرداخت می‌گردد نه قیمت آن‌ها (۶۱). کسانی که قایل به پرداخت قیمت در قرض هستند حالت نزول قیمت را در نظر می‌گیرند نه حالت صعود را، مثلاً شخصی یک بوجی آرد را که قیمت آن ۲۰۰۰ افغانی می‌شد از دیگری قرض گرفت، سپس قیمت آن

۵۷. مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره ۵. ۱۸۲۳/۳.

۵۸. سورة مائدة. آیت: ۱.

۵۹. عمر، محمد عبده. (بدون تاریخ). تغير قيمة العملة و الأحكام المتعلقة بها، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره ۵، ۲۲۰۷/۳، ۲۲۰۸.

۶۰. سورة بقره، آیت: ۲۸۰.

۶۱. السنهوري عبد الرزاق. (۱۹۹۲م). الوسيط في شرح القانون المدني - مصادر الالتزام- ط ۱. ناشر: دار النشر للجامعات المصرية، القاهرة، ج: ۱. ص: ۳۸۹.

به ۱۵۰۰ نزول کرد، آیا اکنون یک بوجی آرد را به دائن بدهد که قیمتش فعلاً ۱۵۰۰ افغانی می شود یا دو هزار افغانی برایش پرداخت کند که قیمت آن زمان بود؟

در حوزه بانکداری، در صورت که یک بانک پنج میلیون افغانی طلب کار باشد و ده میلیون افغانی در آن حسابات جاری وجود داشته باشد، قرض و سپس تورم به ۱۰٪ برسد، به همین نسبت قرض های بدهکاران بانک افزایش میابد و باید قروض مقرضین نیز ۱۰٪ افزون گردد. آیا بانک ها در هر دو مورد فکر می کنند؟ در صورت پرداخت قیمت نه مثل نسبت تورم در بانک های اسلامی نخست به رأس المال اضافه گردیده و سپس ربح توزیع می گردد، آیا اگر این رویکرد تطبیق شود بانک ها کدام فایده را خواهند گرفتند؟ و یا همه این فواید بخشی از تورم محسوب خواهد شد؟ افزایش تورم در حقیقت بیش تر از فوایدی است که بانک های اسلامی و سودی است که بانک های تقلیدی به دست می آورند، و از ناحیه دیگر نیازی به حسابات استثماری نبوده و کافی است که حساب جاری باز شود و قیمت آن در صورت تورم اخذ گردد (۱۲).

پرداخت قیمت نقد در دین: نزد بعضی از دانش مندان در صورت نزول قیمت دین بر مديون پرداخت قیمت اسکناس لازم است، این نظریه دکتر اشقر و شیخ احمد زرقا می باشد. زیرا تعامل به اصل و مثل درین حالت دشوار است پس بنا بر قول راجح قیمت روز قبض پرداخته می شود. زیرا در پرداخت قیمت در حقیقت اعمال و تطبیق عدالت، رفع ظلم، تصحیح اوضاع و محافظه بر قیمت اموال می باشد و از منظر اقتصاد دو جنس و مال زمانی متماثل پنداشته می شوند که قیمت آن ها یکسان باشد و در صورت تفاوت قیمت ها هیچ تماثلی وجود ندارد (۱۳).

پرداخت قیمت در حالت نزول فاحش قیمت نقد: نزد دسته از دانش مندان مسلمان در صورت تغییر فاحش پرداخت قیمت لازم می گردد، این نظریه دکتر قره داغی، دکتر محمد عبداللطیف الفرفور، دکتر عجیل جاسم النشمی، دکتر ناجی عجم، دکتر عبدالله بن ابیه است و نسبت نزول فاحش نیز نظر به قول راجح ثلث قیمت است (۱۴). زیرا پرداخت قیمت در صورت نزول اندک منجر به اضطراب در معاملات گردیده و اعتماد مردم در تعامل با اوراق نقدی را دچار تزلزل می سازد و هیچ معامله از نزول یسیر عاری نمی باشد و اگر قیمت در صورت تغییر بزرگ تعیین نشود ظلم به میان آمده و مردم از نیکی دست بر می دارند که مبدا ضرری برای شان برسد و جامعه اسلامی دچار عدم تعاون، برادری،

^{۱۲} . القره داغی، علی محی الدین، أثر التضخم و الكساد في الحقوق و الالتزامات الآجلة، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره ۵، ۵۶۶/۲.

^{۱۳} . نزیه، همان منبع، شماره: ۳، ۱۶۷۶/۳.

^{۱۴} . القره داغی، همان منبع.

اخوت و همدردی می‌گردد که با اصول صریح دین در تضاد است. تغییر یسیر براساس مقایسه به غبن یسیر و ضرر یسیر بخشیده شده است. اگر تغییر قیمت واحد پولی اندک باشد، طوری که به ثلث نرسد، درین صورت پرداخت مثل واجب است و در غیر آن قیمت؛ زیرا ثلث حد فاصل بین کثرت و قلت در شریعت اسلامی می‌باشد. ایشان به دلایل نظریه پرداخت مثل در صورت عدم نزول فاحش قیمت نقود و دلایل نظریه پرداخت قیمت در صورت نزول فاحش استمساک می‌کنند. هم‌چنان می‌گویند در مورد اسکناس‌ها نص خاصی در کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم ذکر نشده است، باید بر آن‌ها قواعد عمومی و مبادئ که عدالت، احسان، مصلحت حقیقی را برای انسان متحقق می‌سازد، ظلم، مفسده و ضرر را بر طرف می‌کند تطبیق گردد؛ ازین که رسول الله صلی الله علیه وسلم قدوه حسنه و اسوه نیکی برای همه بشریت است، باید در پرداخت قرض حسن از وی تقلید نمود، چنان‌چه ایشان شتری را به قرض گرفتند و سپس شتری بهتری از شتر اول به مدیون دادند و فرمودند: «إِنَّ خِيَارَكُمْ أَحْسَنُكُمْ قَضَاءً»^{۶۵}). ترجمه: بهترین شما کسی است که به وجه احسن دینش را بپردازد، پس وجه احسن آنست که میان تغییر اندک و فاحش تفکیک قایل شوید. هم‌چنان تغییر قیمت اسکناس‌ها از جمله آفات و حالات اضطراری اجباری محسوب می‌گردد و عدالت تقاضا می‌کند تا هنگام تغییر فاحش قیمت‌ها هر دو طرف در نظر گرفته شود؛ زیرا هیچ تجارت عاری از ریسک و مخاطره نمی‌باشد. مجمع فقهی جهانی نیز در قرار سال ۲۰۱۹ م در صورت تغییر فاحش پرداخت قیمت را لازم می‌دانند.

پرداخت قیمت در صورت ماطلت دین: نزد بعضی از دانش‌مندان اصل در پرداخت دین در حالت نزول قیمت نقود پرداخت مثل آنست و استثناء در صورتی که مدیون با وجود توانایی در پرداخت دین ماطلت می‌ورزد، بر وی پرداخت قیمت لازم است؛ زیرا با نزول قیمت قوت خریداری آن‌ها تغییر کرده و دائن متضرر می‌گردد، این نظریه دکتور عبدالله منیع و دکتور یوسف قاسم می‌باشد^{۶۶}). زیرا ماطلت در دین بدون عذر ذاتاً تجاوز و اعتداء بر یکی از مقاصد پنج‌گانه شریعت اسلامی، حفظ مال می‌باشد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ، فَإِذَا أُتْبِعَ أَحَدُكُمْ عَلَى مَلِيٍّ فَلْيَتَّبِعْ»^{۶۷}). ترجمه: به تعویق انداختن دین از طرف مدیون ثروت مند ظلم تلقی می‌گردد و اگر یکی از شما به شخص غنی احواله می‌شود، باید قبول کند. سزایی اخروی ظالم به الله متعال موکول شده و مسئولیتش

^{۶۵}. البخاری، همان منبع، ۹۹/۳.

^{۶۶}. قاسم یوسف. (بدون تاریخ). مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره ۵، ۱۷۱۰/۳.

^{۶۷}. البخاری، همان منبع، ۹۴/۳.

را در دنیا رسول الله صلى الله وسلم بیان داشته است: «لِيَّ الْوَاجِدِ يُحِلُّ عُقُوبَتَهُ وَعَرَضَهُ»^{۶۸} ترجمه: مماطلت مدیون علی رغم توانائی پرداخت دین، عرض و مجازات وی را حلال می سازد؛ یعنی باید از نگاه معنوی و مادی مجازات گردد؛ ازین رو ممکن است تا حکم به تعویض اضرار و خسارات که از ناحیه مماطلت مدیون به دائن رسیده است - یعنی نزول قیمت کرنسی و کم شدن حق دائن - بر مدیون لازم گردد.

توقف از قضاوت پیرامون موضوع: نزد بعضی از علما نزول قیمت اسکناس ها از جمله مسایل بسیار پیچیده است که ترجیح یک نظریه را بر دیگری دشوار می سازد و هر مورد باید جداگانه بررسی شود، و تا زمان دریافت راه حل شرعی و معقول در زمینه توقف باید کرد، این نظریه دکتور محمد عثمان شیر است؛ زیرا از علمای گذشته در مورد اسکناس ها چیزی نقل نشده و ماهیت آن ها متفاوت از نقود دیگر است.

مصالحه بر توزیع خساره بر متعاقدين: نزد بعضی از علما نباید یکی از طرفین به تنهایی ضرری ناتج از نزول قیمت نقود را متحمل شود، بلکه لازم است تا خساره میان متعاقدين در صورت عدم توقع و نزول فاحش قیمت (ثلث) تقسیم گردد، این نظریه دکتور مصطفی زرقا، دکتور نزیه حماد و دکتور منذر قحف است^{۶۹}. زرقا می گوید: که معالجه مشکل ارتفاع سطح اسعار ممکن است در چارچوب نظریه حالت اضطراری داخل گردد که در آن حالت تقسیم ضرری نزول قیمت نقود بین دائن و مدیون بالمناصفه براساس مصالحه صورت می گیرد و الا به محکمه مراجعه می گردد مشروط به غیر فاحش و عدم متوقع بودن آن. پیش از ایشان نیز ابن عابدین در صورت تعدد انواع عقود مروج و تغییر قیمت آن ها فتوا به مصالحه بر اوسط را صادر کرده بود^{۷۰}. یعنی در حالت نزول قیمت نقود، خساره مساویانه بر طرفین تقسیم می شود، نزول تدریجی و متوقع اعتبار ندارد، مگر این که دین مؤجل بوده و نزول تدریجی منجر به درجه فاحش گردد، مانند مهر مؤجل در عقد ازدواج، درین صورت قیمت وقت عقد اعتبار دارد و خساره بین زوجین توزیع می گردد. این نظریه را کنفرانس فقهی اقتصادی برای قضایایی تورم (منعقد سال ۱۹۹۹ م در بحرین) نیز تأیید کرده است؛ چنانچه در توصیات شان گفتند: اگر تورم در هنگام عقد متوقع بوده هیچ نوع تأثیری بر تعدیل دیون مؤجله ندارد و پرداخت آن ها باید با مثل صورت بگیرد نه قیمت؛ زیرا طرفین عقد ضمناً به نتایج تورم راضی بوده و سبب استقرار تعاملات مردم

^{۶۸}. البخاري، همان منبع، ۱۱۸/۳.

^{۶۹}. قحف، منذر. (بدون تاریخ). کساد النقود و انقطاعها بين الفقه و الاقتصاد، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره ۹. ۲/ ۷۵۱ و ۷۵۲.

^{۷۰}. ابن عابدین، تنبيه الرقود علی مسائل النقود، ص: ۳۸.

می‌گردد و در صورت عدم توقع اگر تورم اندک باشد، دلیلی برای تعدیل دیون مؤجله شمرده نمی‌شود؛ زیرا اصل در پرداخت دیون مثل است و تورم سیر شرعاً بخشیده شده است و در صورت تورم فاحش به مصالحه رجوع می‌گردد. اصل تطبیق عدالت و دفع ظلم و ضرر و قاعده وضع جوائح که رسول الله صلی الله علیه وسلم به آن دستور دادند [أَمَرَ بِوَضْعِ الْجَوَائِحِ] ^(۷۱) نیز می‌طلبند تا طرفین ضرر را متقبل شوند، جوائح جمع جائحه در لغت به معنای آفت و بلا را می‌گویند و در اصطلاح عبارت است از آفات غیر انسانی که بر میوه‌ها اثر گذاشته و آن‌ها را از بین می‌برند، شخصی میوه را خرید و قبل از جمع کردن آن، توسط آفات سماوی از بین رفت، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم به فروشنده دستور دادند تا از قیمت عقدی که مورد اصابت آفت قرار گرفته و آن را از بین برده است بکاهد تا مشتری زیاد متضرر نگردد، گرچه جوائح آفات غیر انسانی بر میوه‌هاست مگر حدیث دال بر آنست تا از قیمت هر عقد آفت‌زده نیز کاسته شود ^(۷۲). این راه حل‌هایی است که به انعطاف‌پذیری فقه اسلامی و شمولیت آن بر قضایای معاصر دلالت می‌کند و باید جهت حل مشکلات اقتصادی مردم از آن‌ها استفاده شود.

یافته‌های تحقیق

در صورت که قرض از طلا و نقره و اشیای مثلی باشد، به اتفاق فقها و در فلوس بر مبنای رأی جمهور در هر حالت پرداخت مثل آن لازم می‌باشد، مگر وفق نظر شاگردان امام (امام ابویوسف و امام محمد رح) از مذهب حنفی و بعضی از حنابله و در صورت تغییر فاحش نزد مالی که پرداخت قیمت لازم می‌شود. پیرامون اسکناس‌ها در صورت کساد نزد جمهور فقها پرداخت مثل و نزد صاحبین و حنابله پرداخت قیمت لازم می‌شود، در صورت انقطاع اسکناس ^(۷۳) نزد جمهور فقها پرداخت مثل و نزد شاگردان امام و مالکیه پرداخت قیمت لازم می‌شود و در صورت تغییر قیمت اسکناس‌ها نزد جمهور فقها و اهل قانون پرداخت مثل دین لازم می‌گردد مگر نزد صاحبان پرداخت قیمت لازم می‌شود. فقهای معاصر نیز نظریات مختلفی را ذکر کردند که مشهور آن‌ها پرداخت مثل و قیمت است. نظریه فقهای که قیمت را معتبر نمی‌دانند در مورد نوسانات قیمت اسکناس‌ها در عصر ما قابل تطبیق نیست؛ زیرا تغییر قیمت نسبت به پول‌های اصطلاحی امروزی که دولت می‌تواند ثمنیت آن‌ها را باطل سازد و با تغییرات

^{۷۱}. مسلم، همان منبع، ۱۱۹۱/۳.

^{۷۲}. الزرقا، مصطفی. (ب ت). انخفاض قيمة العملة الورقية، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره ۹، ۲/ ۳۶۰.

^{۷۳}. چنانچه قبلاً گذشت فقهای متقدمین در مورد اسکناس‌ها بحث نکردند؛ ازین‌که در مورد فلوس از نگاه انقطاع، کساد و تغییر ارزش آن بحث نمودند و اسکناس‌ها نیز با فلوس از نگاه عرفی بودن ثمنیت آن‌ها وجه مشترک دارند، آن‌ها را به فلوس مقایسه می‌کنیم.

سیاسی و اقتصادی کشور صعود و نزول زیاد می‌کنند، قابل اهمیت است؛ ازین رو وخامت شدید قیمت پول‌ها در بعضی از کشورها در نتیجه بحران‌های مالی و تحولات داخلی به‌ویژه پس از ۲۰۰۰ م آشکارا می‌باشد. بنابراین قول ابویوسف نظر به اصل مشترک ثمنیت بین فلوس و اسکناس‌ها مخالف رأی جمهور نبوده، و نظریه با وجاهت و معتبر، مناسب و قابل تطبیق در مورد اسکناس‌ها بوده و مشکلات مالی مسلمانان را بیش‌تر و بهتر حل و فصل می‌سازد.

نظر محقق آنست، در صورت‌که دین از نقدین و اشیای مثلی باشد، در حالت تغییر اسعار پرداخت مثل آن‌ها لازم می‌باشد. در صورت‌که دین فلوس باشد نظر به قول راجح پرداخت قیمت آن لازم است و اگر دین اسکناس باشد و مدیون با رضایتش در هنگام پرداخت آن - بدون توافق و شرط قبلی - مقدار بیش‌تری از دین را بپردازد امر نیکی است چنان‌چه ایوفی در معیار (۱۹) به‌عنوان (القرض) شماره ۲/۵ تصریح کرده است: "زیادت بر قرض در مقدار، صفت، تقدیم یک چیز و یا انجام منفعت در هنگام پرداخت آن بدون شرط و عرف جایز است برابر است که محل قرض نفوذ باشد و یا چیزی دیگری".

اگر نزاع به‌میان آمد، در صورت‌که تغییر اندک (کم‌تر از ثلث) و یا فاحش و پیش‌بینی شده در هنگام عقد باشد و یا مدیون منکر و ماطل نبوده؛ بلکه فقیر باشد بر مدیون پرداخت مثل لازم است، مگر این‌که تغییر فاحش به اثر دین مؤجل نامحدود مانند مهریه به‌میان آمده باشد، درین حالت به مصالحه و اشتراک در تحمل خساره بر طرفین رجوع می‌شود. و اگر تغییر متوقع نبوده، مدیون غنی و مقر به دین باشد و دائن نیز به دینش مراجعه نکرده و یا مدیون منکر و ماطل باشد و یا از تغییر متضرر نشده باشد در همه حالات پرداخت قیمت لازم است. در صورت عدم حل قضیه به مصالحه و اشتراک در تحمل خساره و در صورت تعدر به تحکیم و الا به محکمه مراجعه می‌شود و قاضی با پرداخت قیمت میانگین از زمان لزوم دین تا هنگام مطالبه فیصله نماید. هم‌چنان متعاقدين جهت حل این معضل مالی می‌توانند دین که از مجرای معاملات مالی مانند بیع و اجاره، مهریه و غیره لازم می‌گردد در هنگام عقد به طلا و یا پول دیگری که ثبات بیش‌تری دارد، مثلاً دالر و یا عین دیگری تعیین نمایند. در قرض به اتفاق فقها نمی‌توانند نقد دیگری را جهت پرداخت تعیین نمایند مگر در صورت تغییر فاحش می‌توانند در حین اداء بر پرداخت قیمت پول و یا افزون بر آن از عین پول و یا پول دیگری اتفاق نمایند، این امر ربا شمرده نمی‌شود؛ زیرا در پول اصطلاحی قیمت و ثمنیت معتبر است نه آمار و مماثلت آن‌ها عبارت از همان قوت خرید آن‌ها در حین قرض و ادای آنست که باید متحقق شود و نظریه امام ابویوسف در مورد اسکناس‌های امروزی نیز قابل تطبیق و بهتر است.

نتیجه‌گیری

تغییر جهندهٔ قیمت نقود از پدیده‌های منفی و خطرناک مالی است که اقتصاد همه کشورها را به‌ویژه کشورهای در حال جنگ و پسا جنگ را به نحوی به چالش کشانده، زندگی اجتماعی و پیکر مالی آن‌ها را متزلزل می‌سازد. در واقع اسکناس‌ها به علت ثنیت عرفی در معرض نوسانات بیش‌تر قرار داشته و آسیب‌پذیر می‌باشند؛ ازین‌رو زمینهٔ بحث پرداخت دین توسط آن‌ها به‌میان آمد که پاسخ آن پس از بررسی نظریات فقهای پیشین و پسین و تحلیل دلایل شان در صورت عدم مصالحه پرداخت قیمت بوده و در صورت مراجعه به محکمه، قاضی عادلانه مطابق به رأی امام ابویوسف حد میانگین قیمت روز قبض و پرداخت را فیصله می‌نماید و این نظریهٔ درست و قابل تطبیق در مورد پول‌های امروزی است.

منابع

قرآن کریم

- ابن تیمیة، تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم الحرائي. مجموع الفتاوى، ط ۲، ناشر: مكتبة ابن تیمیة لإحياء كتب التراث الإسلامي، ۱۹۹۵م، ج: ۲۵۲/۱۹.
- ابن حزم، أبو محمد علي بن أحمد الأندلسي الظاهري. المحلى بالآثار، ط ۱. ناشر: دار الفكر- بیروت، ۱۹۸۵م، ۷۷/۸.
- ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز. تنبيه الرقود على أحكام النقود، مخطوطة، ۱۹۹۲م.
- ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز. حاشية رد المحتار على الدر المختار، ط ۲، ناشر: دار الفكر، بیروت، ۱۹۹۲م، ۲۶۸/۵.
- ابن قدامة، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد الحنبلي. المغني لابن قدامة، ط ۱، ناشر: مكتبة القاهرة، مصر، ۱۹۶۸م، ۲۱۸/۴.
- ابن مفلح، أبو إسحاق، برهان الدين إبراهيم بن محمد. المبدع في شرح المقنع، ط ۱. ناشر: دار الكتب العلمية، بیروت، لبنان، ۱۹۹۷م، ۲۷۰/۲.
- ابن منيع، عبد الله بن منيع. موقف الشريعة الإسلامية من ربط الحقوق و الالتزامات المؤجلة بمستوى الأسعار، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، ۲۰۰۱، شماره: ۵، ۸۲۴/۳.
- ابن همام، كمال الدين محمد بن عبد الواحد السيواسي (ب ت)، فتح القدير، ناشر: دار الفكر- بیروت- لبنان، ۲، ۱۶۰/۷.
- الأشقر، محمد. النقود و تقلب قيمة العملة، ط ۱. ناشر: دار النفائس للنشر و التوزيع- الأردن، ۱۹۹۸م، ص: ۲۸۴.
- الأصبحي، مالك بن أنس بن مالك المدني. المدونة الكبرى، ناشر: دار الكتب العلمية، ۱۹۹۴، ط ۱، ۷۵/۳.
- البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم. الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري، ط ۲، ناشر: دار ابن كثير- اليمامة- بیروت، ۱۹۸۷م، ۹۶/۲.
- البیهقي، أحمد بن الحسين بن علي. السنن الكبرى، ناشر: دار الكتب العلمية، بیروت- لبنان، ۲۰۰۳م، ط ۳، ۲۸۵/۴.
- التسخيري، محمد علي. تغير قيمة العملة، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، ۲۰۰۱، شماره: ۵، ۱۸۰۷/۳.
- حسن، أحمد. الأوراق النقدية في الاقتصاد الإسلامي، ط ۱. ناشر: دار الفكر، دمشق، ۱۹۹۰م، ص: ۸۰.
- الرازي، محمد بن أبي بكر. مختار الصحاح، ط ۱. ناشر: مكتبة لبنان ناشرون، بیروت، تحقيق محمود خاطر، ۱۹۹۵م، ص: ۱۵۹.
- الزرقا، أحمد بن شيخ بن محمد الزرقا. شرح القواعد الفقهية، ط ۴، ناشر: دار القلم، دمشق، ۱۹۹۶م، ص: ۱۷۴.
- الزرقا، مصطفى (ب ت)، انخفاض قيمة العملة الورقية، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره ۹، ۳۶۰/۲.
- الزرقاني، عبد الباقي بن يوسف بن أحمد. شرح الزرقاني على مختصر خليل، ط ۱. ناشر: دار الكتب العلمية- بیروت- لبنان، ۲۰۰۲م، ۱۱۸/۵.
- زيلعي، فخر الدين الزيلعي الحنفي. تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق، ط ۱، ناشر: دار الكتاب الإسلامي، القاهرة، ۱۳۱۳هـ، ۲۳۲/۴.
- السالوس، علي. النقود و استبدال العملات، ط ۲. ناشر: مكتبة الفلاح- توزيع دار الاعتصام، القاهرة، ۱۹۸۷م، ص: ۴۷-۴۸.
- سالوس، علي (بدون تاريخ)، أثر تغير قيمة النقود في الحقوق و الالتزامات، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره: ۵، ص: ۳/ ۱۷۴۹.

- السبهاني، عبد الجبار محمد عبيد. النقود في عصر التشريع (Islamic money in the Era of legislation)، ناشر: مجلة كلية العلوم الإسلامية، بغداد، ١٩٩٩م. عدد: ششم، ص: ٢١٧-٢٤٢.
- السجستاني، أبو داود سليمان بن الأشعث. سنن أبي داود، ناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت، ٢٠٠٥، ٢٤٦/٣.
- السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهيل شمس الأئمة. المبسوط، ط ١، ناشر: دار المعرفة، بيروت، ١٩٩٣م، ١٣٧/١٢.
- السنهوري عبد الرزاق. الوسيط في شرح القانون المدني - مصادر الالتزام- ط ١. ناشر: دار النشر للجامعات المصرية، القاهرة، ١٩٩٢م، ٣٨٩/١.
- السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر جلال الدين. الحاوي للفتاوي، ط ٢، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر، بيروت- لبنان، ٢٠٠٤م، ٩٧/١.
- شبير، محمد عثمان. المعاملات المالية العاصرة في الفقه الإسلامي، ط ٤، ناشر: دار النفائس للنشر والطبع، الأردن، ٢٠٠١م، ص: ١٧٦.
- الشافعي، محمد زكي حسن. النقود بين القديم والحديث- دراسة تحليلية مقارنة عن العملة في العالم العربي، ط ٢، ناشر: دار المعارف، بيروت، ١٩٨٣م، ص: ٨٤.
- الشيرازي، أبو إسحاق إبراهيم بن علي. المذهب في فقه الإمام الشافعي، ط ٢، ناشر: دار المعرفة، بيروت، ١٩٧٦م، ٤٠٢/١.
- عبد الرحمن، عبد المجيد. اقتصاديات النقود- رؤية إسلامية، ط ١، ناشر: النسر الذهبي للطباعة، القاهرة، ١٩٩٦م، ص: ٩.
- عبد الله بن بيه (ب ت)، أحكام النقود الورقية و تغير قيمة العملة، مجمع الفقه الإسلامي، شماره ٣، ١٨٦٥/٣.
- عثماني، محمد تقى. مسألة تغير قيمة العملة و ربطها بقائمة الأسعار، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، ٢٠٠١، شماره ٥، ص: ٣/١٨٥١.
- عمر، محمد عبده (بدون تاريخ)، أحكام النقود الورقية و تغيير قيمة العملة في نظر الشريعة الإسلامية، شماره ٣، ١٨٠٠/٣.
- القولبي، أسامة. مبادئ النقود و البنوك، ط ١. ناشر: دار الجامعة الجديدة للنشر، إسكندرية، مصر، ١٩٩٧م، ص: ٨٨.
- قحف، منذر. كساد النقود و انقطاعها بين الفقه و الاقتصاد، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، ٢٠٠٩، شماره ٩، ٧٨٤/٢.
- قدري، باشا. مرشد الحيران إلى معرفة الإنسان، ط ٣، ناشر: المطبعة الأميرية، القاهرة، ١٩٠٩م، ص: ٣٩.
- القرة داغي، على محي الدين. أثر التضخم و الكساد في الحقوق و الالتزامات الآجلة، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، ٢٠٠٥، شماره ٥، ٥٦٦/٢.
- القشيري، أبو الحسن مسلم بن الحجاج. صحيح مسلم، ط ٢، ناشر: دار إحياء التراث، بيروت، ١٩٩٨م، ١٥٠١/٣.
- كاساني، علاء الدين أبوبكر بن مسعود بن أحمد الحنفي. بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ط ٢، ناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، ١٩٨٦م، ٢١/٢.
- الكفراوي، عوف. النقود و المصارف في النظام الإسلامي، ط ٢، ناشر: دار الجامعات المصرية، القاهرة، ١٩٩٩م، ص: ١٩.
- مجدي، شهاب. اقتصاديات النقود و المال، ط ١. ناشر: دار الجامعة الجديدة للنشر، إسكندرية، مصر، ٢٠٠٠م، ص: ٨٧.
- المختار، محمد (ب ت)، مفهوم كساد النقود الورقية و أثره في تعيين الحقوق و الالتزامات الآجلة و حدود التضخم التي يمكن أن تعتبر معه النقود الورقية نقودا كاسدة، مجلة مجمع الفقه الإسلامي، شماره ٩، ٦٧١/٢.
- المرغيناني، أبو الحسن برهان الدين علي بن أبي بكر. الهداية في شرح بداية المبتدي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، ١٩٩٥، ٨٥/٣.
- المصري، رفيق. الجامع في أصول الربا، ط ٢. ناشر: دار القلم، دمشق، ٢٠٠١م، ص: ٢٣٧.

- موصلي، عبد الله بن محمود بن مودود. الاختيار لتعليل المختار، ط ۱، ناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۹۳۷م، ۶۱/۲.
- نزيه، حماد. قضايا فقهية معاصرة في المال و الاقتصاد، ط ۱، ناشر: دار القلم، دمشق، ۲۰۰۱م، ص: ۱۱۰.
- هايل، عبدالحفيظ. تغير القيمة الشرائية للقوقد الورقة، ط ۱. ناشر: المعهد العالمي للفكر الإسلامي، القاهرة، ۱۹۹۹م، ص: ۱۸۰-۱۸۱.
- الهيتمي، أحمد بن محمد بن علي. تحفة المحتاج في شرح المنهاج، ط ۱. ناشر: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، القاهرة، ۱۹۸۳م، ۴۴/۵.